

گره‌نگاری
در دوره سلجوقی

دکتر سیدعبدالمجید شریف‌زاده



انتشارات آریارمنا

به نام خداوند جان و خرد

گره‌نگاری
در دوره سلجوقی



انتشارات آریارمنا



گروه پژوهشی، انتشارات آریارمنا، تهران، ایران

گره‌نگاری در دوره سلجوقی

نوشته

دکتر سیدعبدالمجید شریف‌زاده

استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری



ایران زمین - ۲-

انتشارات آریارمنا

گره‌نگاری در دوره سلجوقی

| نوشته سیدعبدالمجید شریف‌زاده |

| همکاران پژوهشی: زهرا تقدس‌نژاد، رضا میرمبین |

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری |

| چاپ و صحافی: مهرگان |

| نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۷ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه |

| بها: ۲۷۰۰۰ تومان |

| تارنما: www.aryaramna.ir |

| نامه‌نگار: aryaramna@hotmail.com, info@aryaramna.ir |

| نشانی: تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵ |

| تلفن: ۰۲۱۴۴۸۴۶۰۲۶ همراه: ۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶ |

| همه حقوق این اثر برای انتشارات آریارمنا محفوظ است. |

| تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت،

انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی

و قبلی انتشارات آریارمنا ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان،

مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. |



سرشناسه عنوان و نام پدیدآور	شریف‌زاده، سیدعبدالمجید، ۱۳۳۹. گره‌نگاری در دوره سلجوقی / نوشته سیدعبدالمجید شریف‌زاده، همکاران پژوهشی زهرا تقدس‌نژاد، رضا میرمبین.
مشخصات نشر مشخصات ظاهری	تهران: آریارمنا، ۱۳۹۷. ۱۸۰ ص: مصور (بخشی‌رنگی)، جدول: ۲۱/۵×۱۴/۵ م.س.
فروست شابک	ایران زمین: ۲. 978-600-97080-9-3
وضعیت فهرست‌نویسی یادداشت	فیا :ص.ع. به انگلیسی: Seyed Abdolmajid Sharifzadeh, Zahra Taghaddos Nezhad, Reza Mirmobin. knitting in the Seljuk period.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۷۳] - ۱۷۵.
موضوع	: آجرکاری -- ایران -- تاریخ -- قرن ۵ - ۶ ق.
موضوع	: Brickworks -- Iran -- History -- 11 - 12th century
موضوع	: هنر سلجوقی
موضوع	: Art, Seljuk
موضوع	: معماری سلجوقی
موضوع	: Architecture, Seljuk
موضوع	: ایران تاریخ -- سلجوقیان، ۴۲۹ - ۵۹۰ ق.
موضوع	: Iran -- History -- Seljuks, 1037 - 1194
شناسه افزوده	: تقدس‌نژاد، زهرا، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	: میرمبین، رضا، ۱۳۶۰ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ش ۵ / ۱۳ THV۶۹۷
رده بندی دیویی	: ۶۶۶/۷۳۷
شماره کتاب‌شناسی ملی:	: ۵۵۶۲۰۲۲

انتشارات آریارنا

انتشارات آریارنا بر آن است تا کتاب‌های ارزندهٔ تألیفی و ترجمه‌ای پژوهشگران ایرانی یا نیرانی را در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی همچون باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ و زبان‌های باستانی منتشر کند، کتاب‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند باشند. با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران انتشارات آریارنا دور نمانده و چاپ کتاب‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده دربارهٔ جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های انتشارات آریارنا است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. کتاب‌های انتشارات آریارنا پیشکشی ناچیز است به ایرانیان، ایرانی‌تباران، ایران‌دوستان و همهٔ مردمان جهان ایرانی که ایران و جهان ایرانی را از جان دوست‌تر می‌دارند.



مدیر
شاهین آریامنش

مشاوران علمی

| دکتر سیدمنصور سیدسجادی (مؤسسهٔ ایزمئو ایتالیا) | استاد اسماعیل یغمایی
(سازمان میراث فرهنگی کشور) | دکتر سیدمهدی موسوی (دانشگاه تربیت
مدرس) | دکتر محمدابراهیم زارعی (دانشگاه بوعلی سینا همدان) | دکتر سجاد
علی‌بیگی (دانشگاه رازی کرمانشاه) | دکتر حمیدرضا ولی‌پور (دانشگاه شهید
بهشتی) | دکتر سعید امیرحاجلو (دانشگاه جیرفت) | دکتر سیروس نصراله‌زاده
(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) | دکتر رضامهرآفرین (دانشگاه مازندران)
| دکتر فرزانه گشتاسب (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) |

فهرست

پیشگفتار.....	۹
فصل یکم: حکومت سلجوقیان.....	۱۱
غزنویان.....	۱۴
روی کار آمدن سلجوقیان.....	۱۶
فصل دوم: هنر در دوره سلجوقی.....	۴۱
کتاب‌آزایی.....	۴۱
نگارگری.....	۴۲
تذهیب.....	۴۷
فلزکاری.....	۴۸
سفال‌گری.....	۵۶
منسوجات.....	۵۸
فصل سوم: معماری و هنرهای وابسته به آن در دوره سلجوقی.....	۶۳
انواع تزیینات در معماری اسلامی.....	۶۸
آجرکاری.....	۶۸
کاشی‌کاری.....	۶۸
گچ‌بری.....	۷۱
مقرنس.....	۷۳

۷۳	گره و کاربندی
۷۹	فصل چهارم: آجرکاری در معماری دوره سلجوقی
۷۹	هنر آجرکاری دوره سلجوقی
۸۳	فهرست آثار سلجوقیان
۹۷	رباط شرف
۱۰۱	زندگی نامه بنیانگذار رباط شرف
۱۰۴	محراب‌های رباط شرف
۱۰۶	تزیینات آجری رباط شرف
۱۱۵	برج‌های آرامگاه‌های خرقان
۱۴۳	برج شبلی دماوند
۱۴۸	گنبد سرخ
۱۵۳	گنبد کبود
۱۶۰	گنبد علویان
۱۶۵	قلعه رودخان
۱۷۳	کتاب‌نامه

پیشگفتار

در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، و در نقاط گوناگون آن، حکومت‌های فراوانی آمده و رفته‌اند که شرح حال فرمانروایان آنها در کتب تاریخی به طور مشروح روایت شده و البته بسیار لازم و مفید است. اما کمتر پیش آمده که محققى به طور صرف، به بررسی هنر یک عصر بپردازد و بکوشد که هنر عصرى خاص را بررسی نماید، به خصوص اگر، آن هنر امروزه رو به افول و نسیان داشته باشد.

هنر یک عصر، شناسنامهٔ ملموس و عینی فرهنگی آن است که در برابر دیگر هنرها خودنمایی می‌کند. چنانچه تاریخ عصرى، فاقد هنرى خاص باشد، ریزه‌خوار خوان دیگران و بدون فرهنگ و تمدن ارزیابی می‌گردد.

امروزه بسیاری از مضامین فرهنگی-مذهبی ایران در حال رشد و احیاء بوده و راه تعالی را می‌پیماید، اما متأسفانه، وضعیت حاکم بر هنر معماری این سرزمین تاریخی، به هیچ عنوان نشان‌دهندهٔ عمق و حقیقت تاریخی این هنر نیست، زیرا بسیاری از فنون و شیوه‌های معماری سنتی و تزئینات وابسته به آن فراموش شده و از یادها رفته است. هنرى که معلول نیازهای بومی و بالطبع، پاسخ‌گوی آنها بود، امروز از میان شهرها و حتی روستاهای ایران رخت بر بسته و ملغمه‌ای از معماری مدرن و دیگر عناصر وارداتی و اندکی تزئینات قدیمی، چیزی از معماری سنتی ایران باقی نمانده است. این، درحالی است که هنوز عده‌ای از استادان معماری سنتی در قید حیات و -هرچند محدود- مشغول فعالیت هستند. بنابراین معرفی هنرهای سنتی و بویژه عناصرى از آن که امروزه

می‌تواند به کمک احیای معماری و آراستگی محیط زندگی در شهرها و روستاها بیاید، از اهم امور قلمداد می‌شود. یکی از اصیل‌ترین و درعین حال، جذاب‌ترین عناصر هنری معماری سنتی ایران، هنر آجرکاری بود که تا سده‌ها زینت‌بخش ساختمان‌ها و عمارت‌ها محسوب می‌شد و با آجر - همین حجم خشتی - انواع و اقسام نقوش را بر دیوار فراهم می‌ساخت. آجری که امروز با بی‌سلیقگی هرچه بیشتر روی آجری دیگر قرار می‌گیرد و برای پنهان ساختن این نازیبایی، پوششی از سنگ‌های گوناگون یا مصالح مختلف و... به‌عنوان نما بر روی اسکلت بنا (سفتکاری) می‌سازند که در واقع هنر آجر کاری را از بین برده و می‌برند. بنابراین به‌عنوان نخستین گامی که شاید بتواند در این بحبوحه بی‌توجهی به معماری سنتی، تا حدودی موفق عمل کند، بررسی آجرکاری، در یکی از درخشان‌ترین اعصار تاریخ خود، یعنی عصر سلجوقی، در نظر گرفته شده تا ضمن معرفی شیوه‌ها و گسترش آن در گذشته، هرچه بیشتر به کاربردی بودن و زیبایی آن نیز توجه شود.

حکومت سلجوقیان

حضور سلجوقیان در ایران، پدیده‌ای نیست که یک شبه و طی یک یورش ساده اتفاق افتاده باشد. حضور عناصر ترک‌زبان از جمله غُزها یا اُغزها در ایران، معلول فرایندی طولانی بود که از فتوحات مسلمانان در مرزهای شمال شرقی ایران- یعنی حوالی ماوراءالنهر- و اسارت ترک‌زبانان آن خطه آغاز شد.

تا پیش از تصرف ایران به دست مسلمانان، به واسطه وجود نیروها و استحکامات مرزی نیرومند حکومت ساسانی، ترک‌زبانان نمی‌توانستند حضور مؤثری در این ناحیه داشته باشند. اما پس از ورود مسلمانان و اسارت بسیاری از ترک‌زبانان به دست آنان، اندک‌اندک، این خارجیان، با پذیرش دین اسلام وارد جامعه اسلامی شدند و در ابتدا به عنوان سرباز در خدمت خلفا و حکام عصر درآمدند. این افراد که از لحاظ نیروی بدنی و خوی جنگاوری بسیار برجسته بودند، موفق شدند در مدت زمانی کوتاه، به مقامات بالای لشکری دست یافته و به‌عنوان فرماندهان ارشد نظامی نقش فعال و مؤثر در امور سیاسی ایفا نمایند. به‌خصوص از زمان معتصم عباسی (۲۲۷-۱۸۰ه.ق) که مدارس از ترک‌زبانان بود، این روند، سرعت گرفت. اما نخستین حکومت مستقل ترک‌زبانان، متعلق به غزنویان بود.

۱۲ ♦ حکومت سلجوقیان

سلسله سلجوقیان بزرگ از ۴۲۹ تا ۵۵۲ هجری قمری.

ردیف	نام	سال هجری قمری
۱	رکن الدین ابوطالب طغرل بیک محمد	۴۲۹
۲	عضد الدین ابوشجاع آلب ارسلان محمد بن جعفری	۴۵۵
۳	بیک	۴۵۶
۴	جلال الدین ابوالفتح ملک شاه بن آلب ارسلان	۴۸۶ یا ۴۸۷
۵	رکن الدین ابوالمظفر برکیارق بن ملک شاه	۴۹۸
۶	غیاث الدین ابوشجاع محمد بن ملک شاه مغزالدین ابولحارث سنجر	۵۱۱ فوت ۵۵۲

این شعبه را خوارزمشاهیان منقرض کردند.

سلجوقیان آسیای صغیر (روم) از ۴۷۰ تا ۷۰۰ هجری قمری.

ردیف	نام	سال هجری قمری
۱	سلیمان بن اول قتلش	۳۷۰
۲	دوره فترت	۴۷۰
۳	قلج ارسلان داوود	۴۸۵
۴	ملک شاه دوم	۵۰۰
۵	مسعود اول	۵۱۰
۶	عزالدین قلج ارسلان دوم	۵۵۱
	نکته: قلج ارسلان تا ۵۵۸ حیات داشت ولی ممالک خود را چند سال قبل از این تاریخ بین پسران خود تقسیم کرد	
۷	قطب الدین ملک شاه دوم	۵۸۴
۸	غیاث الدین کیخسرو اول	۵۸۸
۹	رکن الدین سلیمان دوم	۶۰۰
۱۰	کیخسرو اول (مجدداً)	۶۰۱
۱۱	عزالدین کیکاووس اول	۶۰۷
۱۲	علاء الدین کیقباد اول	۶۱۶
۱۳	غیاث الدین کیخسرو دوم	۶۳۴
۱۴	عزالدین کیکاووس دوم با شرکت برادران خود قلج ارسلان دوم و	۶۴۳

گره‌نگاری در دوره سلجوقی ♦ ۱۳

۶۵۵	کیقباد	۱۵
۶۶۶	رکن‌الدین قلع‌ارسلان چهارم	۱۶
۶۸۲	غیاث‌الدین کیخسرو سوم	۱۷
۶۹۶ عزل ۷۰۰	غیاث‌الدین مسعود دوم علاء‌الدین کیقباد دوم	۱۸

این شعبه به دست مغولان و ترکان عثمانی منقرض شدند.

سلجوقیان شام، شعبه‌ای از سلجوقیان که از ۴۸۷ تا ۵۱۱ هجری قمری در شام حکومت کردند.

سال هجری قمری	نام	ردیف
۴۸۷	تتش بن آلب ارسلان	۱
۴۸۸	رضوان بن تتش در حلب	۲
۴۸۸ تا ۴۹۸	دقاق بن تتش در دمشق	۳
۵۰۷	آلب ارسلان اخرس بن رضوان	۴
۵۰۸	سلطان شاه بن رضوان	۵

این شعبه را اتابکان بوری و امرای ارتقی منقرض کردند.

سلجوقیان عراق و کردستان. این شعبه از سلجوقیان از ۵۱۱ تا ۵۹۰ هجری قمری در عراق و کردستان حکومت کردند.

سال هجری قمری	نام	ردیف
۵۱۱	مغیث‌الدین محمود بن محمد بن ملک‌شاه	۱
۵۲۵	غیاث‌الدین داوود	۲
۵۲۶	طغرل اول	۳
۵۲۷	غیاث‌الدین مسعود	۴
۵۴۷	معین‌الدین ملک‌شاه	۵
۵۴۸	محمد	۶
۵۴۴	سلیمان شاه	۷
۵۵۶	ارسلان شاه	۸
۵۷۳ تا ۵۹۰	طغرل دوم	۹

این شعبه را خوارزمشاهیان برانداختند.

سلجوقیان کرمان، این شعبه سلجوقیان از سال ۴۳۳ تا ۵۸۳ هجری قمری در کرمان حکومت کردند.

ردیف	نام	سال هجری قمری
۱	عمالدین قرا ارسلان قاوردبیک	۴۲۳
۲	کرمانشاه	۴۶۵
۳	جین	۴۶۷
۴	رکن الدین سلطان شاه	۴۶۷
۵	توران شاه	۴۷۷
۶	ایران شاه	۴۹۰
۷	ایران شاه ارسلان شاه	۴۹۴
۸	مغیث الدین محمد اول	۵۳۶
۹	محمی الدین طغرل شاه	۵۵۱
۱۰	بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه رقبای یکدیگر	۵۶۳
۱۱	محمد شاه دوم	۵۸۳

این شعبه را ترکان غز از میان برداشتند (دهخدا، ج ۱۷. ۱۳۳۹: ۵۸۴ و ۵۸۵).

غزنویان

محمود بن سبکتکین قلمرو به نسبت کوچک غزنه «غزنی، غزنین» به خراسان مقارن عهد انحطاط و انحلال سامانیان، ناگهان آن را به صورت امارت وسیع و بزرگی درآورد که با جلب نظر و رضایت خلیفه عباسی، بدان استقلالی بخشید. غزنه ولایتی کوهستانی بود که در زابلستان، در دامنه کوه‌های سلیمان یا نواحی شرقی افغانستان کنونی، قرار داشت. در زمان مرگ سبکتکین بر اثر فتوحات او در نواحی مجاور، حکومت غزنه شامل ولایات، قصدار، بُسْت، زابل، رُخج، زمین داور، پیشاور، و نواحی طُخارستان و بدخشان بوده است. در آن زمان هر یک از این نواحی پیش از هر چیز یک ثَغَنر «سر حد مرزی» در حاشیه دنیای هند به شمار می‌آمد. از عهد امارت سبکتکین، غزو جهاد دایم در نواحی غربی هند این منطقه را به صورت یک

کانون اسلامی و رهبری کننده غزوات درآورده بود که چون میراثی سیاسی به محمد منتقل شد و به این ترتیب به عنوان مهمترین و عمده‌ترین مشغله فکری و عملی این سلطان ستیزه جو درآمد.

بعدها با الحاق خراسان به آن، دولت غزنه وارث تمام قلمرو سامانیان در خراسان شد، به طوری که در مرزهای غربی خویش با دولت‌های آل بویه و آل زیار همسایه شد که هیچ‌کدام به اندازه حکومت غزنوی مورد تأیید خلیفه بغداد نبودند. از سویی دیگر سیف‌الدوله محمود نیز با دریافت لقب؛ یمین‌الدوله، بنیان قدرت و استقلال این قلمرو به نسبت وسیع را در همان آغاز انحطاط سامانیان استوار ساخت.

در زمان اعتلای سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ ق.) که سلسله‌ای ایرانی‌تبار و فارسی‌زبان بود، و بسیاری از امور فرهنگی و ادبی در عصر آنان تثبیت و ترویج شد، استفاده وسیعی از سربازان و فرماندهان ترک‌زبان به عمل می‌آمد، تا جایی که به مرور زمان، چنان قدرت گرفتند که مستقیماً وارد حیطة تصمیم‌گیری امیران سامانی می‌شدند و اعمال آنان را به میل خود، تعیین می‌کردند و روز به روز این حکومت را به سوی نابودی سوق می‌دادند (فرای، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۳۲).

یکی از این فرماندهان که الپتگین نام داشت، با عزیمت به شهر غزنه، آنجا را مقر حکومت خود نمود و استقلالش را اعلام کرد، و بدین ترتیب، حکومت غزنویان را که نخستین سلسله مستقل ترک‌زبانان بود، تأسیس نمود.

جانشین الپتگین، دامادش سبکتگین بود که از ۳۶۶ تا ۳۸۷ هـ.ق حکومت کرد و قلمروی غزنویان را فزونی بخشید و آن را تثبیت کرد. اما قدرت واقعی و فراوان این سلسله، از زمان محمود پسر سبکتگین که از ۳۸۷ تا ۴۲۱ هـ.ق فرمان راند، آغاز شد و او توانست طی لشکرکشی‌های فراوان از ری در غرب تا بخش‌هایی از هندوستان در شرق را به نام گسترش اسلام فتح کرده و از خلیفه عباسی، القادر (۳۸۱-۴۲۲ هـ.ق)، لقب یمین‌الدوله را اخذ کند. ناگفته نماند که سنی‌مذهب بودن محمود و نبردهای او با حکومت شیعی مذهب آل‌بویه که بغداد را در اختیار داشتند، در این امر بی‌تأثیر نبوده است (باسورث، ۱۳۷۹: ۱۴۴-۱۴۸).

مرگ محمود غزنوی و روی کار آمدن پسرش مسعود، اگرچه در ظاهر تغییر خاصی در امور مملکت ایجاد نکرد، اما شکست مسعود غزنوی از طغرل سلجوقی در جنگ دندانقان در سال ۴۳۱ هـ.ق موجب فرار غزنویان به متصرفاتشان در هندوستان و خروج آنان از پهنه سیاسی جغرافیای ایران شد (همان، ۱۷۰).

روی کار آمدن سلجوقیان

یکی از قبایل ترک‌زبانی که موفق شد به فرماندهی طغرل بیگ نامی، حکومت غزنویان را به همراه حکومت‌های پراکنده دیگر در ایران نظیر صفاریان، آل زیار، آل بویه و... شکست داده و قلمرویی یکپارچه فراهم آورد، سلجوقیان از نژاد غز یا اغز بودند که به زبان ترکی سخن می‌گفتند. نسب این قبیله، به شخصی به نام سلجوق بن دقاق می‌رسید که نخستین شخص در قبیله خود بود که مسلمان شده بود.

دقاق و پسرش سلجوق، در ابتدا خدمتگذار پادشاه خزران که بخش سفلی ولگا و جنوب روسیه را در اختیار داشت، بودند. این زمان احتمالاً اواخر قرن چهارم هـ.ق بوده است. اما اختلاف سلجوق با ییغو نامی در دستگاه پادشاه خزران، موجب شد تا او با همراهان و وفادارانش به جند بگریزد. در این زمان بود که سلجوق به دین اسلام درآمد و علیه ترک‌زبانان کافر به غزا پرداخت.

پس از سلجوق، سه پسر وی با نام‌های موسی، میکائیل و ارسلان اسرائیل رسید که همواره با وعده گرفتن چراگاه، جهت چهارپایانشان، به سود وعده‌دهندگان مشغول جنگ با حکومت‌ها و قبایل بودند. یکی از این درگیری‌ها با غزنویان بود که به اسارت ارسلان اسرائیل و مرگ او در زندان محمود غزنوی منجر شد.

از میان فرزندان ارسلان سلجوق، طغرل بیگ و چغری بیگ پسران میکائیل، موفق شدند تا سرکردگی قبایل سلجوقی را به دست آورند. آنان با ادامه مسیر عمویشان ارسلان، وارد خراسان شدند و طی نامه‌نگاری با وزیر مسعود غزنوی، از او خواستند که

گره‌نگاری در دوره سلجوقی ♦ ۱۷

شهرهای نسا و فراوه در اختیارشان قرار گیرد. البته از قبل، سلجوقیان وارد منطقه شده و ضمن مختل کردن راه‌های ارتباطی تجاری، شهرها و روستاها را غارت می‌کردند.

در این زمان سیاست غزنویان به گونه‌ای کژدار و مریز که ترکیبی از دلجویی و لشکرکشی تنبیهی بود، علیه سلجوقیان اعمال می‌شد. همین دید موجب شد که از سال ۴۲۶ تا ۴۳۱ هـ.ق درگیری‌هایی دائمی میان سربازان غزنوی و افراد سلجوقی وجود داشته باشد. نکته مهم سبک‌باری سواران سلجوقی بود که به آنان اجازه می‌داد در صورت شکست، به سرعت از برابر سواران و سربازان سنگین اسلحه غزنوی بگریزند و این موضوع که سلجوقیان پایتخت و مرکز چندان مشخصی نداشتند، غزنویان را در شکست کامل آنان، ناکام می‌گذاشت.

البته به مرور زمان، طغرل نشان داد که فقط یک سرکرده قبیله‌ای که افرادش را برای غارت و چپاول آورده، نیست، مثلاً او پس از تصرف مرو، از کسانی که از شهر گریخته بودند دعوت کرد بازگشته و کشت و کار را از سرگیرند.

سرانجام، درگیری دندانقان، که برای هردو طرف، سرنوشت‌ساز بود، اتفاق افتاد و به حذف غزنویان از پهنه سیاسی ایران، منجر شد (باسورث، ۱۳۶۶: ۲۵-۲۹).

پس از پیروزی سلجوقیان در جنگ دندانقان، طغرل، راه خود را به سوی نواحی غربی ایران ادامه داد و خود را در مقابل تعدادی از حکومت‌های محلی و پاره‌پاره دید که دوران ضعف و فتور خود را طی می‌کردند.

طغرل موفق شد طی لشکرکشی‌های خود بازماندگان صفاری، آل زیار، آل بویه، مروانیان و... را از میان برداشته و قلمروی بزرگ، یکپارچه و نیرومند فراهم آورد (همان، ۳۱-۳۳).

یکی از مهم‌ترین اقدامات طغرل که به نفع او تمام شد، تصرف بغداد در سال ۴۴۷ هـ.ق بود. زیرا از این تاریخ به بعد، خلیفه که تحت فرمان امرای شیعی مذهب آل بویه بود آزاد شد، اگرچه، همچنان تحت فرمان سلجوقیان باقی ماند. ولی نکته مهم این بود که طغرل دیگر فرمانروایان سلجوقی، مذهب اهل سنت داشتند و این امر در ظاهر، قدرت خلافت را فزونی می‌بخشید (اشپولر، ۱۳۷۹: ۲۳۳).

پیشرفت‌های نظامی طغرل در ایران، اگر در زمان دیگری صورت می‌گرفت، از دیدگاه خلافت عباسی خطرناک به نظر می‌رسید. اما از آنجاکه در آن زمان، بغداد در دست امیران آل بویه و مصر در کف قدرت خلفای فاطمی بود، و سلجوقیان به مذهب تسنن بودند، خلیفه نمی‌توانست متحدی مطمئن‌تر از طغرل بیابد. در نتیجه با تأیید وی، بر حکومت او و کلاً سلجوقیان مُهر تأیید نهاد، زیرا نیروی نظامی فراوان سلجوقیان، می‌توانست حربه‌ای موثر جهت تثبیت خلافت عباسی - هر چند در ظاهر - باشد.

از آن طرف، سلجوقیان که طایفه‌ای بیابان‌گرد و دور از تمدن بودند و چیزی از آیین مملکت‌داری نمی‌دانستند، هنگامی که به ایران وارد شدند، خود را در برابر مجموعه‌ای از نظام‌ها و تشکیلات پیچیده اجتماعی - اقتصادی - اداری - سیاسی یافتند که توسط نوعی دیوان‌سالاری کلان اداره می‌شد. آنان خیلی زود پی بردند که با کمک چنین تشکیلات پیچیده‌ای می‌توانند به راحتی، مبالغ فراوان و گزافی از طریق مالیات‌های حاصل از دیوان‌سالاری و درآمد تجاری و تولیدات هنری به دست آورده و به کمک این پول سرشار، طی سربازگیری وسیع و تجهیز لشکریانی که فقط مطیع پادشاه باشد، از وابستگی به جنگجویان ایللیاتی و قبیله‌ای که نه از شخص پادشاه، بلکه از روسای طوایف و قبایل خود فرمانبرداری داشتند، بی‌نیاز شوند. درحقیقت، توفیق پادشاه در گروهی همراهی روسای قبایل بود، و نظام دیوان‌سالاری و تولیدی و تجاری ایران، می‌توانست فرمانروایان سلجوقی را از این وابستگی برهاند. اما طغرل و دیگر پادشاهان سلجوقی که فقط جنگجو و فاقد تجربه و تدبیر لازم جهت اداره جامعه‌ای متمدن با روابط پیچیده بودند، از وزرای ایرانی نظیر عمیدالملک کُندری و خواجه‌نظام‌الملک استفاده کردند که این وزیران به خوبی از پس این امر برآمدند و تا زمانی که بنابر درگیری داخلی یا دشمنی اطرافیان و حتی کینه و حسد شخص پادشاه مخلوع و مقتول نگشتند، مشکلی پیش نیامد.

آلپ‌ارسلان (۴۵۵-۴۶۵) و توسعه حکومت سلجوقی

طغرل، پیش از مرگ، سلیمان فرزند کوچک‌تر چغری را جانشین خود اعلام کرد. با توجه به منابع موجود، سلیمان برای پادشاهی فردی نالایق یا حداقل نامناسب بوده

است. تنها نقطه قوتی که او داشت، حمایت عمیدالملک کندی، وزیر باتدبیر طغرل بود.

اما نظامیان سلجوقی که حیات خود را در گرو حکومت پادشاهی می‌دیدند که توانایی اداره یک دولت مرکزی بزرگ را دارا باشد، از فرزند دیگر چغری، یعنی ابوشجاع آلپ‌ارسلان محمد پشتیبانی می‌کردند که از راهنمایی و مشاوره خواجه نظام‌الملک بهره‌مند بود. همین امر موجب شد در کشمکش نه چندان طولانی، آلپ‌ارسلان بر سلیمان تفوق یافته و پادشاه سلجوقی اعلام شود. عمیدالملک کندی نیز زندانی شده و به تحریک خواجه نظام‌الملک به قتل رسید.

مشهور است که کندی پیش از مرگ به خواجه نظام‌الملک گفت: «بد بدعتی و زشت قاعدتی در جهان آوردی به وزیر (معزول) کشتن، ارجو که این سنت در حق خویش و اعقاب بازبینی.»

خلیفه نیز با پادشاهی او موافقت کرد و آلپ‌ارسلان به مدت ده سال سکاندار حکومت سلجوقی شد. او از لحاظ اداره سربازان و نظامیان بسیار باهوش عمل می‌کرد. اصولاً پس از هر جنگی، سپاهیان فاتح ترک‌زبان و ترکمن سلجوقی هرج و مرج‌هایی پدید می‌آوردند، اما آلپ‌ارسلان همواره و پس از هر نبرد، آنان را به جنگ نواحی غربی تر تهییج و هدایت می‌کرد و همین امر موجب می‌شد تا ایران دچار مصائبی مانند طاعون و ویرانی و دیگر مصائب ناشی از جنگ‌ها نشود یا اینگونه مشکلات، بسیار کم‌تر بروز نماید. همچنین آلپ‌ارسلان موفق شد مزاحمت‌های عیاران و مزاحمت‌های فرقه‌ای را خاموش کرده یا به حداقل رساند (باسورث، ۱۳۶۶: ۵۹-۶۱).

البته مشکلات آلپ‌ارسلان به همین‌جا خاتمه نیافت. او پس از برکناری برادرش، با عمویش، قتلش بن ارسلان اسرائیل روبرو شد. نکته مهم این بود که رسم و عرف و سنت دیرینه ترکان، جانشینی برحسب ارشدیت و سن و سال بود، و بر این اساس، فقط بزرگ‌ترین عنصر ذکور خاندان یا خانواده می‌توانست جانشین فرمانروا باشد. قتلش با همین بهانه در سال ۴۵۶ ه.ق در ساوه طغیان کرد و به یاری ترکمانانی که به شیوه قبیله‌ای و برای خود یا رئیس قبیله می‌جنگیدند، شورش جدی بنیان افکند.

در مقابل، خواجه نظام‌الملک نیز لشکری بسیار منظم مهیا کرد که سربازان و فرماندهان آن کاملاً منضبط و زیر نظر مستقیم پادشاه، یعنی آلپ‌ارسلان بودند. در این نبرد، لشکریان قتلش شکست خورده و فرار کردند، جنازه او نیز بعدها بدون دانستن علت مرگش پیدا شد.

مشکل دیگری که در برابر آلپ‌ارسلان بوجود آمد، نافرمانی و سرکشی برادر بزرگش، قرا ارسلان قاورد، حاکم کرمان بود که سه سال پس از بیعت با پادشاه، نام او را از خطبه انداخت و این به معنای برداشتن علم استقلال طغیان بود. البته آلپ‌ارسلان با سپاهی به کرمان رفت و بدون درگیری خاصی، برادرش را به اطاعت واداشت، اما قرا ارسلان قاورد هرگز با رضایت به فرمان او گردن نگذارد و پس از مرگش، باز در برابر ملکشاه، فرزند آلپ‌ارسلان ایستاد.

آلپ‌ارسلان همواره می‌کوشید از طریق کنار آمدن با خلیفه، منافعش را در عراق حفظ کند. او حتی برای تثبیت جانشینی فرزندش، ملکشاه، از حمایت معنوی و ظاهراً مادی خلیفه بهره‌برداری کرد. اوج روابط حسنۀ او با دربار خلافت عباسی نیز در سال ۴۶۴ هـ.ق به وجود آمد که دخترش با پسر و جانشین خلیفه ازدواج کرد و بعدها دامادش با عنوان المقتدی به خلافت رسید.

آلپ‌ارسلان برای حفظ عراق تدبیری دیگر نیز اندیشیده بود که جواب داد. این تدبیر حفظ قدرت امرای عرب در عراق بود. البته نظارتی دائمی بر آنان وجود داشت تا مشکلی پیش نیاید. تمامی این عوامل موجب تثبیت آرامش و قدرت سلجوقیان در عراق شد و خلافت فاطمی نتوانست در آن خطه به فعالیت‌ها و تحریکات خود ادامه دهد.

در این زمان که عراق به ثبات و امنیت رسید، آلپ‌ارسلان راه ادامه فتوحات را به سوی مغرب پیش گرفت و به مرز امپراتوری بیزانس (روم شرقی) رسید. البته پیش از آن، در ارمنستان با نیروهای رومی روبرو و بر آنان فائق آمده بود، اما عقیده رایج تا آن زمان در میان مسلمانان آن بود که امپراتوری بیزانس که سال‌ها در مقابل مسلمانان مقاومت کرده شکست‌ناپذیر است. آلپ‌ارسلان نیز خواستار همزیستی مسالمت‌آمیز

این دو امپراتوری بزرگ و پهناور اسلامی و مسیحی بود. اما ورود ترکمانان به قلمروی بیزانس برای یافتن چراگاه احشام خود، موجب محاصره و گاه تصرف شهرها و روستاهای یونانی نشین می‌شد. لازم به ذکر است که این گروه‌ها الزاماً به تصرف شهرهای بزرگ و حتی نقاط دفاعی مرزی نمی‌اندیشیدند، زیرا امکانات محاصره چنین ابنیه و جنگ‌افزار لازم برای درهم کوبیدن آن‌ها را در اختیار نداشتند. البته حکومت بیزانس گاهی از این ترکمانان به عنوان مزدور جنگی استفاده می‌کرد.

نبرد آلپ‌ارسلان در ارمنستان منجر به سلسله لشکرکشی‌هایی شد که در نهایت سلجوقیان را در مقابل بیزانس قرار داد. در این حال، بسیاری از ترکمانان که داخل خاک بیزانس به جست‌وجوی چراگاه یا در پی نهب و غارت بودند با عنوان غازی به سپاه سلجوقی پیوستند. با این حال به خاطر اشتغال فکری آلپ‌ارسلان به سوریه و خلافت فاطمی، میان او و امپراتور بیزانس، رومانوس دیوجانوس در سال ۴۶۲ هـ.ق پیمان ترک مخاصمه بسته شد، اما در بهار سال بعد، یعنی ۴۶۳ هـ.ق در حالی که آلپ‌ارسلان در شمال سوریه بود، رومانوس با نیروهای بیزانسی به سوی ارمنستان یورش برد و آلپ‌ارسلان نیز به مقابله‌اش شتافت. دو سپاه در محلی به نام ملازگرد به هم رسیدند و در آنجا جنگی درگرفت که برای بیزانس فاجعه‌بار بود. بیزانسیان شکست خوردند و رومانوس به اسارت سلجوقیان درآمد. گویا در این زمان آلپ‌ارسلان به هیچ عنوان در فکر نابودی بیزانس نبود، زیرا بهره‌برداری لازم را از این پیروزی نکرد و به سوی قسطنطنیه پیش نراند. شاید علت اصلی دل مشغولی او در بخشی از سوریه و مصر بود که قلمروی خلافت فاطمی محسوب می‌شد.

در هر حال آلپ‌ارسلان به رومانوس اجازه داد که در قبال تعدادی از شهرها و سرزمین‌های آناتولی که احتمالاً شامل ملازگرد، الرها، انطاکیه و منبج می‌شد، خود را با پرداخت فدیة و خراج آزاد کند.

در مورد مرزهای شرقی سلجوقیان در زمان آلپ‌ارسلان باید گفت که حکومت‌هایی مانند اعقاب غزنویان و قراخانیان همچنان قدرت خویش را حفظ کرده بودند که همواره دشمنی بالقوه برای آنان به حساب می‌آمدند. آلپ‌ارسلان در ابتدای فرمانروایی خود با

انجام چند لشکرکشی توانست برتری خود را تثبیت کرده و امنیت نسبی را برقرار نماید. اما در ادامه، کوشید تا با اِعمال سیاست‌های صلح‌جویانه، روابط خود را با قراخانیان محکم کند و بدین منظور میان خاندان خود و آنان وصلت‌هایی انجام داد. در راستای تحقق این سیاست، آلپ‌ارسلان خود با دختر بیوه قدرخان یوسف، فرمانروای سابق کاشغر و ختن ازدواج کرد و دخترش، عایشه را به همسری شمس‌الملک نصر، پسر و جانشین طمغاج‌خان ابراهیم، فرمانروای قراخانیان درآورد. ملکشاه نیز که پسر و جانشین آلپ‌ارسلان بود با دختر یکی از خوانین قراخانی وصلت کرد که حاصل این ازدواج، محمود سلجوقی بود که بعدها به پادشاهی رسید.

تمامی این اقدامات صلح و امنیتی نسبی پدید آورد که تا اواخر حکومت آلپ‌ارسلان پابرجا بود، اما در آن هنگام تنشی که میان او و شمس‌الملک نصر بوجود آمده بود، موجب شد تا پادشاه سلجوقی در رأس لشکری دویست هزار تنی به قلمروی آنان هجوم ببرد و توسط پلی از جیحون عبور کند. همه چیز برای یک درگیری بزرگ آماده بود، اما مرگ آلپ‌ارسلان توسط زخمی که یک کوتوال محلی محکوم به مرگ، به او زده بود، معادلات نبرد را دگرگون ساخت و قراخانیان به این سوی جیحون آمده و طی جنگ در قلمروی سلجوقی ترمذ را متصرف شدند. البته بعدها توسط ملکشاه از این متصرفات، رانده شده و به عقب بازگشتند.

اما رابطه سلجوقیان با غزنویان در دوره آلپ‌ارسلان همواره آرام بود و هر دو طرف به تعیین مرزهایی که در زمان چغری و ابراهیم بن مسعود انجام شده بود، احترام می‌گذاشتند. غیر از این دو مورد، موارد دیگری نیز مرزهای شرقی سلجوقیان را گهگاه آشفته می‌کرد که سرکشی حکام و امرای محلی بود (نک به همان، ۶۳-۷۱). بنابراین آلپ‌ارسلان را باید در زمره فرمانروایان با کفایت ایران محسوب داشت، اما نکته‌ای بسیار مهم که اساس حکومت او و بعدها پسرش، ملکشاه را نیرو و استواری بخشید، وجود شخصیت باهوش، زیرک و بسیار سیاستمداری بود که بدون وجود او، سلجوقیان صحراگرد و مأنوس با شیوه‌های اداره جوامع قبیله‌ای، هرگز نمی‌توانستند بر کشوری

پهناور همانند ایران، با آن سامانه وسیع و پیچیده دیوانسالاری‌اش، حکومت کنند. این شخص کسی نبود جز خواجه نظام‌الملک که وجود او دوره اوج قدرت سلجوقیان را رقم زد، و در همین فصل، گفتاری مستقل به وی اختصاص داده خواهد شد. اما به راستی چه چیزی باعث شد تا ایرانیان به سیطره قومی غیر ایرانی - هرچند که بسیار زود و موفق با فرهنگ و تمدن ایرانی خو گرفته و ایرانی شدند - رضایت دادند؟

وجود دولت‌های تضعیف شده محلی و کشمکش هرروزه آنها با هم و دست به دست شدن همیشگی شهرها و ایالاتی که در مرزهای این حکومت‌ها قرار داشتند، همه و همه موجب از میان رفتن امنیت و در نتیجه ثبات لازم جهت کار و تجارت شده و درکل، زندگی مردمان را مختل ساخته بود. حضور قدرتمند سلجوقیان در ایران، علی‌رغم اینکه ایرانی تبار نبودند، می‌توانست آرزوی دیرینه مردمان این مرز و بوم، یعنی ثبات و امنیت را محقق ساخته و زندگی نسبتاً آرامی، هرچند با مشکلاتی جدید، برای آنان به ارمغان آورد. در نتیجه، حضور سلجوقیان در ایران، به نوعی، با تأیید ایرانیان همراه بود، ضمن اینکه اعطای مشروعیت از جانب خلیفه عباسی را نیز نباید بی‌تأثیر دانست.

نکته دیگری که در روی کار آمدن سلجوقیان بسیار مهم شمرده می‌شود، حضور غزنویان، پیش از آنان در ایران است. زیرا غزنویان برای نخستین بار توانستند از نفوذ دهقانان، که علاوه بر زمین‌داری و نیروی نظامی، حافظ اصلی فرهنگ و ادب ایرانی بودند، بکاهند و آنان را بسیار تضعیف نمایند. این امر تأثیر فراوانی در جدایی میان ایرانیان و فرهنگ ایرانی انداخت و راه را برای حضور یک نیروی خارجی دیگر، هموار کرد (بازورث، ۱۳۸۰: ۵۵).

ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ ق) و تثبیت حکومت سلجوقی

آلپ‌ارسلان پس از زخمی شدن، چهار روز زنده ماند و فرصت یافت تا جانشین خود را معرفی کند. خانواده او بسیار پر جمعیت بودند و پسران زیادی داشت که می‌توان به ملکشاه، ایاز، تکش، تتش، بوری برس، طغانشاه، و ارسلان ارغنون اشاره کرد. از سال